کنکاشی در بحران تصمیم‌گیری در ایالات متحده آمریکا

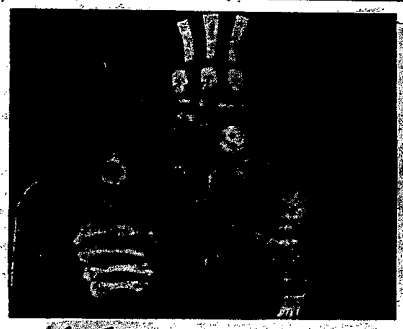

حسین- سبزواری

بررسی پنج دیدگاه

زمانی نه چندان دور آمریکائیان بر این باور بودند که چیدن موزائیک سیاست در خلیج فارس کاری آسان خواهد بود، اما نیمه دوم دهه هشتاد ثابت کرد که این تفکر نه تنها دارای بنیادی استوار نیست بلکه بااحضور نیروی موسی بنام انقلاب اسلامی این دهه را باید پایانی بر به‌ترین‌های سنتی در منطقه خلیج فارس، یعنی حسابی‌ترین بخش حیطه نفوذ غرب دانست.

اینک انقلاب اسلامی میتواند محور همگرائی دو ابرقدرت برای تعیین مجدد شکل برهم خورده قدرت در منطقه باشد وهم به تعبیری دیگر باتوجه به قاهر شدن علائم فروپاشی اجتناب ناپذیر سیستم پست عراق می‌تواند برهم زننده ثبات استراتژیک آمریکا وشوروی باشد.

بحران کنونی علیه فارس را باید نتیجه شق دوم دانست. امریالیسم آمریکا می‌پنداشت با اجراء سیاست زور مدارانه خود در خلیج فارس از احتمال وقوع چنین نتیجه‌ای میتواند بکاهد، اما افزایش تنش وایستادگی قدرتمندانه جمهوری اسلامی در برابر توطئه‌های پیدا وپنهان چنین بینشی را بزودی آشکار ساخت. تاجائیکه اکنون بحرانی بنیادی در سیستم سیاسی رهبری آمریکا سایه افکنده است. در سی اعجالی که در ادامه خواهد آمد تلاشی است در جهت تحلیل دیدگاههای عمده موجود در آمریکا اروپا، ژاپن وشوروی پیرامون مسائل خلیج فارس وراه‌حلهای مستیابی به راه حلی که در شمرین‌تواند به بحران جنگ ایران وعراق نیز پایان دهد.

دیدگاه اول: نظامیان

تفکر مسلط بر دیدگاه اول بر این باور بودند که چیدن استراتژی سیاست خارجی آمریکا در حال حاضر باید نه پایان رساندن جنگ ایران وعراق از طریق شکار موثر نظامی بر ایران باشد. حال آنکه حملاتی که تاکنون از جانب آمریکا صورت گرفته صرفا اقدامی در جهت حفظ اقتدار وپوشیدن این کشور در خلیج‌فارس بوده و نمی‌توان آن را در زمره یک ماتور نظامی موثر که تفکر غالب دیدگاه اول را در زمره یک ماتور نظامی موثر که تفکر غالب دیدگاه اول وجود عراق است به شمار آورد. محدودیت گزینش شیوه‌های نظامی آمریکا وتوان وامکانات مقابله بمثل جمهوری اسلامی که می‌تواند در گسترش جنگ به سوی مواضع حیاتی خلیج‌فارس نقش موثری ایفا نماید، موجب شده که سیاستمداران نظامی متفکر از این دیدگاه نتوانند استراتژی سیاست خارجی آمریکا را به اجرای مقاید خود اعتضاء بخشند.

بنا بر دیدگاه اول اگر آمریکا چهره‌ای تهاجمی نسبت به جمهوری اسلامی بخود نگیرد، وقوع بحران مشروعیت در سیستم سیاسی آمریکا در آینده‌ای نزدیک بسیار محتمل خواهد بود. بنابراین واشنگتن در وضع دشواری قرار دارد: از یک سو حرکت حضور جدی نظامی وسیاسی آمریکا باعث تقویت سقوط سیستمهای محافظه کار ومیانه رو عملی در منطقه خواهد شد واز سوی دیگر گزینش سیاست انصاف پذیرتر این گمان را تقویت خواهد کرد که آمریکا قادر به دفاع موثر از اقمار غرب خود در خلیج‌فارس نیست و این به معنی بازگذاردن دست جمهوری اسلامی در منطقه خواهد بود. افزون براین، فشار روز افزون بحران خلیج‌فارس، درگذاگی‌هایی را در صفوف فرماندهان پنتاگون موجب گردیده تا جانبه جویانهم گراوه، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا اظهار میدارد که اکنون بیش از همیشه وقت آن است که حضور گسترده آمریکا در خلیج‌فارس تسلیل یابد. وهر نقشه مسائل واجراء آن‌وداگ، مشاور نظامی ریگان اعدائی را از افزایش توان نظامی آمریکا در خلیج‌فارس بر می‌شمارد، که در حقیقت حضور گسترده آمریکا در حال وآینده خلیج‌فارس می‌باشد. خلاصه کلام اینکه با توجه به عدم اعتمادی که به خط‌مشی جناحهای تندرو نظامی وجود دارد، کنگره آمریکا به عنوان عامل کنترل کننده (عامل ارتباط بین دیدگاهها) در این دیدگاه اعمال قدرت می‌کند.

دیدگاه دوم: حوزه آکادمیک

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جناحی ظاهرا آکادمیک درمیان دیگر جناحهای سیاست‌گذاری در آمریکا بروز نمود. این جناح در قبال ایران معتقد بود با توجه به اهمیت (نه پوتانسیل) استراتژیک که ایران دارا است، خصلتی سیاست خارجی‌درهای باز آمریکا در خلیج‌فارس بر می‌شمارد، که در حقیقت حضور گسترده آمریکا در حال وآینده خلیج‌فارس می‌باشد. خلاصه کلام اینکه با توجه به عدم اعتمادی که به خط‌مشی جناحهای تندرو نظامی وجود دارد، کنگره آمریکا به عنوان عامل کنترل کننده (عامل ارتباط بین دیدگاهها) در این دیدگاه اعمال قدرت می‌کند.

دیدگاه سوم: حوزه آکادمیک

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جناحی ظاهرا آکادمیک درمیان دیگر جناحهای سیاست‌گذاری در آمریکا بروز نمود. این جناح در قبال ایران معتقد بود با توجه به اهمیت (نه پوتانسیل) استراتژیک که ایران دارا است، خصلتی سیاست خارجی‌درهای باز آمریکا در خلیج‌فارس بر می‌شمارد، که در حقیقت حضور گسترده آمریکا در حال وآینده خلیج‌فارس می‌باشد. خلاصه کلام اینکه با توجه به عدم اعتمادی که به خط‌مشی جناحهای تندرو نظامی وجود دارد، کنگره آمریکا به عنوان عامل کنترل کننده (عامل ارتباط بین دیدگاهها) در این دیدگاه اعمال قدرت می‌کند.

دیدگاه سوم: طرفداران شوک‌های کوتاه

خط مشی تدوین شده دراین دیدگاه مبتنی براین فرض است که هرگونه کسب پیروزی ازسوی جمهوری اسلامی که در آن تعدیلی صورت نگرفته باشد، موجب برهم خوردن ثبات اقتصادی- سیاسی جهان غرب خواهد شد. بنابراین باحفظ خطوط وابزار بهبود روابط لازم است دربعدت یک دوره به استفاده از شیوه شوکهای کوتاه نظامی- اقتصادی، روند لبریزکردن ساختار انقلاب دراین را دنبال کرد. تداشتهای مستقیم مرسیست خارجی جمهوری اسلامی نسبت به گشایش روابط با آمریکا پدیدار شود.

متخصصای که موجب تفکیک این دیدگاه از دیدگاه اکادمیک می‌شود، نخست مخفض کردن زمان گشایش روابط است که محدود به یک دهه می‌باشد، ودوم بکارگیری ابزار نظامی در تجدید انقلاب اسلامی ایران است.

علیرغم نقاط مشترکی که به لحاظ پذیرش حرکتهای نظامی در این دیدگاه با جناح راست وتندرو وجود دارد، دیدگاه سوم مشخصا در این‌که بدنی از مست زمن به اقدامات نظامی هستند عکس‌العملهای تلافی‌جویانه نیروهای آمریکا در خلیج‌فارس، آمریکا باید اعدائش را به روشنی برای جمهوری اسلامی مشخص سازد تا از درگیر شدن در جنگ غیرضروری با ایران پرهیز کند. صاحبان دیدگاه سوم علیرغم چنین هشداری، برای حفظ سروروت واقتدار آمریکا در منطقه خلیج‌فارس، که تا حدود بسیاری پس از ماجرای مکفارلین خدشه‌دار شده است، از آمریکا انتظار اجراء دیپلماسی در چهار چوبهای یک ابرقدرت را دارند.

در همین حال دیدگاه سوم صرف‌نظر از بحران موجود در خلیج‌فارس، برای ایران اهمیت کلیدی قائل است وبایل نیست این اهمیت به بهای آغاز یک درگیری جنگ نظامی نقشه داشته باشد. این دیدگاه بااختلاف عقیده با ایران مستقل، با سخنوری استراتژیک در مصالحه بین دوبلوک می‌ماند، چنانکه زبگنیو برژینسکی یکی از متاثر شاخص این دیدگاه در تبیینی که در مورد خط معنی آمریکا در قبال مسائل ایران نسبت سوم‌حدد، با اشاره به عقاید بلد شده می‌نویسد که متناقع آمریکا در یک ایران مستقل حتی مافوق ایران کنونی می‌باشد، زیرا این متناقع آنرا که از یک نقطه چراغهای سیاسی‌تر از نفت تشی گیرد، نخست منافع آمریکا در کشور کلیدی و استراتژیکی خاورمیانه در مصالحه آمریکا با شوروی می‌شد و نباید مخلوط استفاده کند (ایران بحران خلیج‌فارس که یک حوزه منافع نیست) شود

دیدگاه چهارم: ژاپن و اروپا

به لحاظ وابستگی و تعهدوتعهدی که در تامین انرژی مورد نیاز ژاپن وجود دارد، رهبران این کشور به گونه‌ای اصولی و شیوه تحمیل جزئی حقوق و سیاست خارجی آمریکا در پی تغییر رفتار کنونی جمهوری اسلامی از سوی آمریکا که می‌تواند متناقع را متلاقی برای جمهوری اسلامی از سوی آمریکا که می‌تواند متناقع را متلاقی برای جمهوری اسلامی از سوی آمریکا باشد، حتی شروع تا مشابه‌ای دیگر دیدگاه‌ها، ژاپن بنوعی از دیدگاه سوم نیز برخوردار است. اما تفاوت دیدگاه سوم با دیدگاه ژاپن در این است که دیدگاه سوم بنوعی از دیدگاه ژاپن